

واکنش نیروهای مذهبی به جشن تاج‌گذاری پهلوی دوم (با تأکید بر مواضع امام خمینی (س)^۱)

سیده محمود سادات^۲

رضا بیگدلو^۳

چکیده: جشن تاج‌گذاری پهلوی دوم در تاریخ ۴ آبان ماه ۱۳۴۶ پس از ۲۶ سال تأخیر از روی کار آمدن شاه جدید در تالار موزه کاخ گلستان برگزار شد. وضعیت سیاسی اقتصادی کشور در شهریور ۱۳۲۰ و اشغال آن توسط متفقین و همچنین عدم مشروعیت مکفی، امکان برگزاری مراسم تاج‌گذاری را سلب کرده بود. قدرت‌یابی پهلوی دوم به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، او را بر آن داشت تا جشن تاج‌گذاری را برگزار نماید. ترور چندباره شاه و خردسال بودن ولیعهد باعث نگرانی شاه شده بود و او می‌خواست تا با واگذاری نایب‌السلطنگی به فرح در همین جشن، باقی ماندن پادشاهی در خانواده پهلوی را در صورت مرگش تضمین کند. لذا این جشن، هم جشن تاج‌گذاری شاه و هم جشن نایب‌السلطنگی فرح پهلوی بود. در این راستا، شاه درصدد برآمد برای خود مشروعیت‌سازی کند و ابزار او هم باستان‌گرایی بود؛ اما در مقابل نیروهای مذهبی با تشبیه حکومت پهلوی با بنی‌امیه درصدد مشروعیت‌زدایی از

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی «باستانگرایی در دوره پهلوی دوم و واکنش نیروهای مذهبی و امام خمینی» می‌باشد که طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ رضا بیگدلو و سیده محمود سادات برای پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی انجام داده‌اند.

۲. استادیار گروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: sadat@ri-khomeini.ac.ir

۳. استادیار تاریخ، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران.
Email: bigdelor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۵

پژوهشنامه متین/سال بیست و یکم/شماره هشتاد و پنج/ زمستان ۱۳۹۸/صص ۹۷-۲۳

آن برآمدند. مخالفان به علل و دلایل مختلفی در برابر جشن تاج‌گذاری موضع گرفتند و به اقداماتی دست زدند. مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش است که دلایل مخالفت نیروهای مذهبی و امام خمینی با جشن تاج‌گذاری چه بود و به چه اقداماتی دست زدند؟ مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای تنظیم شده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که نیروهای مذهبی و در رأس آن‌ها امام خمینی به علت تعارض جشن تاج‌گذاری با اسلام، هزینه‌های آن و طرح نایب‌السلطنگی فرح پهلوی در برابر آن موضع گرفتند و با انجام اقدامات قهرآمیز، تظاهرات، انتشار و توزیع اعلامیه مخالفت خود را با آن بیان داشتند.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، جشن تاج‌گذاری، نیروهای مذهبی، نظام پادشاهی

مقدمه

جابجایی شاه در ایران چه با مرگ پادشاه قبلی صورت گیرد یا با برکناری و کودتا در قالب تاج‌گذاری شاه جدید و ضرب سکه به نام شاه جدید مفهوم می‌یابد. شاه جدید برای مشروع‌سازی حکومت خود، جشن می‌گرفت تا مردم به شکرانه پادشاه جدید به جشن و پایکوبی بپردازند. در این زمینه، امتیازاتی هم مانند بخشش مالیاتی داده می‌شود تا رضایت عامه به دست آید؛ به‌ویژه در مورد افرادی که از مشروعیت و مقبولیت چندان بر خوردار نیستند.

وضعیت ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ و برکناری پهلوی اول از سلطنت به‌گونه‌ای نبود که پسرش بتواند جشن تاج‌گذاری برگزار کند. کشور در اشغال متفقین بود و مردم در سختی و قحطی به سر می‌بردند. از طرف دیگر، شاه جدید از دید نخبگان سیاسی آن دوره، جوانی بود که فقط به واسطه ارتباط خونی با پدرش به جانشینی او رسیده بود. نخبگان سیاسی قاجار مانند قوام‌السلطنه، فروغی، مصدق و دیگران کشور را اداره می‌کردند. حتی در کنفرانس تهران که با حضور روزولت، چرچیل و استالین تشکیل شد شاه ایران به‌عنوان میزبان هیچ حضور و بروزی نداشت. لذا وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور در آن مقطع باعث شد تا پهلوی دوم بدون مراسم تاج‌گذاری حکومت را به دست گیرد. با محکم‌تر شدن جایگاه وی در ساختار سیاسی ایران به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، او درصدد برآمد تا پس از گذشت ۲۶ سال از روی کار آمدن، جشن تاج‌گذاری برپا کند. یکی از علل برپایی این جشن این بود که شاه خود را در معرض ترور می‌دید و چند مرتبه نیروهای انقلابی به او سوءقصد کرده بودند و اگر یکی

از این سوءقصدها کارگر می‌افتاد با وجود صغر سن ولیعهد، مجلس می‌توانست فرد دیگری را طبق قانون به جانشینی برگزیند و در این صورت، ادامه یافتن حکومت در قالب سلسله پهلوی به خطر می‌افتاد. شاه به دنبال آن بود تا با تغییر قانون و پس از آن، اعلام نایب‌السلطنگی فرح پهلوی در جشن تاج‌گذاری، ادامه حکومت در خاندان پهلوی را تضمین کند. در این زمینه ابتدا باید موادی از قانون اساسی تغییر می‌کرد.

در طول سلطنت پهلوی، به‌منظور تغییر موادی از قانون اساسی سه بار مجلس مؤسسان تشکیل گردید؛ نخست، در ۲۴ آذر سال ۱۳۰۴، به‌منظور انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی؛ به این صورت که پس از تصویب ماده واحده انقراض قاجار در مجلس شورای ملی در تاریخ نهم آبان ۱۳۰۴، رضاخان و طرفدارانش، به‌منظور دستیابی به قدرت بیشتر دست به تحرکاتی زدند از جمله اینکه علی‌اکبر داور مأمور تدارک مقدمات تشکیل مجلس مؤسسان شد. وی با توجه به اشرافی که بر تاریخ سیاسی کشورهای غربی داشت به‌سرعت آیین‌نامه اجرایی و حقوقی مجلس مؤسسان را تدوین و مجلس پنجم آن را تصویب کرد.

پس از برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان، اکثریت طرفداران رضاخان به مجلس راه پیدا کردند و مجلس مؤسسان اول در ۱۵ آذر ۱۳۰۴ با نطق افتتاحیه رضاخان شروع به کار کرد. در ۲۱ آذر و در جلسه چهارم مواد ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۴۰ قانون اساسی را که منحصراً مربوط به سلطنت قاجار بود به نفع سلطنت پهلوی اصلاح کرد.

دوم، مجلس مؤسسانی که در سال ۱۳۲۸ شمسی برای تغییر اصولی از قانون اساسی در جهت تقویت سلطنت، تشکیل شد و توانست علاوه بر این هدف، یک اصل در خصوص نحوه تجدیدنظر در قانون اساسی به آن ملحق کند. همچنین مقرر شد اصول ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۴۹ متمم به‌وسیله مجلس واحد مرکب از مجلس سنا و شورا مورد تجدیدنظر قرار گیرد که در ۱۳۳۶ با چند سال تأخیر انجام گرفت.

سوم، سومین مجلس مؤسسان در سال ۱۳۴۶ تشکیل شد لایحه تشکیل مجلس مؤسسان سوم به‌منظور تغییر برخی از اصول قانون اساسی به تصویب مجلس شورای ملی و سنا و توشیح پهلوی دوم رسید. پس از آن، انتخابات مجلس مؤسسان برگزار و با تشکیل مجلس مزبور و تغییر چند اصل از اصول قانون اساسی، فرح پهلوی به‌عنوان نایب‌السلطنه انتخاب گردید.

بنابراین مجلس مؤسسان اول به‌منظور تحکیم قدرت رضاخان و مجلس مؤسسان دوم به‌منظور تحکیم قدرت پهلوی دوم، اصولی از قانون اساسی و متمم آن را تغییر دادند؛ اما در مجلس مؤسسان سوم با تغییراتی که در متمم قانون اساسی صورت گرفت علاوه بر قوام نظام

سلطنت، شهبانو و ولیعهد نیز جایگاهی پیدا کردند.

پس از خاتمه کار مجلس مؤسسان سوم، مراسم تاج گذاری شاه و فرح در آبان ماه سال ۱۳۴۶ برگزار شد که نیروهای مخالف نظام پادشاهی به خصوص نیروهای مذهبی در برابر آن موضع گرفتند.

این مقاله بر آن است که چگونگی طرح نایب السلطنگی فرح پهلوی، تاج گذاری پهلوی دوم و فرح، دلایل مخالفت نیروهای مذهبی با آن، اقدامات آن‌ها و در نهایت موضع گیری‌های امام خمینی در برابر جشن تاج گذاری را مورد بررسی قرار دهد. در باب موضوع این مقاله منابع فراوانی وجود دارد، اما پیشینه‌های پژوهشی چندانی یافت نشد. محمدحسین خوانین زاده در مقاله خود با عنوان «تاج گذاری نماد عظمت و قدرت دیکتاتور» به جشن تاج گذاری پرداخته است. رویکرد وی با توجه به رشته‌اش، فقهی است و در بخش تاریخی مقاله، تمرکز وی بر اسراف در جشن با توجه به فقر عمومی مردم است. مخالفت طیف‌های گوناگون سیاسی با جشن تاج گذاری در مقاله وی کمرنگ است. وجه تمایز مقاله ما با پژوهش خوانین زاده، اسنادهای تاریخی گوناگون و تمرکز بر فلسفه وجودی جشن و تحلیل گروه‌های اجتماعی مخالف آن با تمرکز بر امام خمینی است.

مختار حدیدی در مقاله «پهلوی دوم و نمود اندیشه باستان‌گرایانه» به بررسی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی پرداخته است. بی‌شک موضوع این مقاله با پژوهش ما متفاوت است؛ اما آنچه از این مقاله قابل بهره‌برداری است اندیشه‌های باستان‌گرایی است که منجر به برگزاری جشن‌های گوناگون تاج گذاری و ۲۵۰۰ ساله در دوره پهلوی می‌شود. مقاله، اسناد گوناگونی دارد و از این مقاله می‌توان در بررسی زمینه‌های باستان‌گرایانه جشن‌ها بهره جست. به جز دو پیشینه مطرح شده، اثر پژوهشی مستقلی که به این جشن‌ها و واکنش مخالفان آن پرداخته شده باشد یافت نشد. آنچه در قالب کتاب‌های اسنادی آمده، پیشینه نیست و منابعی است که این پژوهش نیز از آن بهره برده است.

تشکیل مجلس مؤسسان و طرح نایب السلطنگی فرح پهلوی

در مراسم تاج گذاری پهلوی دوم در چهارم آبان ۱۳۴۶، فرح پهلوی به‌عنوان نایب السلطنه نیز تاج گذاری نمود. چگونگی طرح نایب السلطنگی فرح پهلوی به این صورت بود که هویدا، نخست‌وزیر وقت، در سال ۱۳۴۵ لایحه‌ای را به‌منظور تغییر برخی از اصول قانون اساسی به مجلس بیست و یکم شورای ملی ارائه داد. لایحه مزبور در همان سال از تصویب مجلس شورای

ملی و سنا گذشت و در فروردین ۱۳۴۶ به توشیح پهلوی دوم رسید.
از اهداف تقدیم این لایحه، عدم تأخیر در اداره امور مملکت در غیاب شاه و تحکیم نظام شاهنشاهی بود؛ پهلوی دوم در نطق خود هنگام گشایش مجلس مؤسسان ضمن اشاره به این موضوع گفت:

در این موقع که ملت ایران نمایندگان برگزیده خود را به نیت مشاوره و اخذ تصمیم درباره موضوعی که از لحاظ قوام و دوام رژیم کهن سال ایران و جلوگیری از هر نوع وقفه و فتور احتمالی در حسن جریان امور سلطنت اهمیت کامل دارد بدین مجلس گسیل داشته است. موفقیت کلیه نمایندگان مجلس مؤسسان را در انجام مأموریتی که از جانب ملت بدانان محول شده است خواستاریم. یقین داریم نمایندگان این مجلس مؤسسان پیشنهاد دولت را با مذاقه و رسیدگی کامل و از روی کمال وطن‌پرستی و وجدان بررسی و وظیفه‌ای را که در برابر ملت و تاریخ ایران به عهده گرفته‌اند به بهترین صورتی که به صلاح مملکت تشخیص دهند انجام خواهند داد و از این راه اقدام تازه‌ای در استحکام هر چه بیشتر اساس شاهنشاهی ایران و بنیاد مشروطیت کشور برداشته خواهد شد. از درگاه خداوند متعال سعادت ملت ایران و عظمت روزافزون کشور را خواستاریم (فرهنگ قهرمانی ۱۳۵۶: ۹۳-۹۴).

همچنین امیرعباس هویدا به عنوان نخست‌وزیر کشور در همین رابطه می‌گوید:
...برای آنکه هیچ‌گونه بلا تکلیفی و تأخیر در اداره امور مملکت متحمل نگردد و امر خطیر نیابت سلطنت در فروض قانونی دچار تعویق نشود، اینک دولت افتخار دارد لایحه‌ای را که برای تأمین و تثبیت این هدف ملی تهیه گردید و مقررات آن را از هر لحاظ مصالح عالی کشور را به نحو احسن صیانت می‌نماید به این مجلس بزرگ ملی تقدیم نماید... (فرهنگ قهرمانی ۱۳۵۶: ۹۷-۹۸).

با برگزاری انتخابات در ۱۳ مرداد ۱۳۴۶ (مروارید ۱۳۷۷ ج ۳: ۷۸۰)، مجلس مؤسسان در ۲۸ مرداد ۱۳۴۶ تشکیل و در اصول ۳۸ و ۴۱ و ۴۲ متمم قانون اساسی تجدیدنظر شد. این اصول به نحوی تغییر یافت که از لحاظ قانونی مشکلی برای زمان بعد از مرگ شاه پیش نیاید و کشور هیچ‌گاه بدون شاه و نایب‌السلطنه باقی نماند (مدنی ۱۳۶۱ ج ۲: ۱۲۶-۱۲۷).
شاه نگران بود که با وجود این اصول و در صورت مرگش حکومت از سلسله پهلوی به کسان دیگری منتقل شود. این ترس در طول سلطنت نیز همواره با شاه بود و او به همین دلیل

از نخست وزیران قوی مانند قوام، رزم آرا و مصدق می ترسید. شاه برای تضمین باقی ماندن حکومت در خاندان پهلوی پیشنهاد اصلاح این اصول را داد.

بنابراین اصول ۳۸، ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی به قرار زیر مورد تجدیدنظر قرار گرفت.

اصل سی و هشتم: در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی می تواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد. اگر به این سن نرسیده باشد، نایب السلطنه ای از غیر خانواده قاجاریه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد.

اصل سی و هشتم اصلاحی: در موقع انتقال سلطنت، ولیعهد وقتی می تواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد. اگر به این سن نرسیده باشد شهبانو مادر ولیعهد بلافاصله امور نیابت سلطنت را به عهده خواهد گرفت مگر اینکه از طرف پادشاه شخص دیگری به عنوان نایب السلطنه تعیین شده باشد. نایب السلطنه شورایی مرکب از نخست وزیر و رؤسای مجلسین و رئیس دیوان عالی کشور و چهار نفر از اشخاص خیر و بصیر کشور به انتخاب خود تشکیل و وظایف سلطنت را طبق قانون اساسی با مشاوره آن شورا انجام خواهد داد تا ولیعهد به سن بیست سال تمام برسد. در صورت فوت یا کناره گیری نایب السلطنه شورای مزبور موقتاً وظایف نیابت سلطنت را تا تعیین نایب السلطنه از طرف مجلسین از غیر خانواده قاجار انجام خواهد داد. ازدواج شهبانو نایب السلطنه در حکم کناره گیری است.

اصل چهل و یکم: در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد و انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید به تعویق بیفتد.

اصل چهل و یکم اصلاحی: در موقع رحلت پادشاه طبق اصل ۳۸ عمل خواهد شد. در این مورد و همچنین در مورد انتقال سلطنت هرگاه نایب السلطنه به ترتیب مقرر در اصل مذکور معلوم نشده باشد از طرف مجلسین در جلسه فوق العاده مشترکاً نایب السلطنه هیأتی مرکب از نخست وزیر و روسای مجلسین به انتخاب هیأت دولت موقتاً امور نیابت سلطنت را عهده دار خواهد شد. نایب السلطنه ای که به ترتیب مذکور در این اصل و اصل ۳۸ عهده دار امور نیابت سلطنت می شود نیز باید طبق اصل ۳۹ سوگند یاد کند. هر کس به مقام نیابت سلطنت برسد از رسیدن به مقام سلطنت ممنوع است.

اصل چهل و دوم: هرگاه دوره و کالت و کلای هر دو یا یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد و وکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند و کلای سابق حاضر و مجلسین منعقد می شود.

اصل چهل و دوم اصلاحی: در هر مورد که نایب‌السلطنه از طرف مجلسین انتخاب می‌شود انعقاد جلسه مشترک مجلسین بیش از ده روز نباید به تعویق یفتد. هر گاه دوره نمایندگان هر دو مجلس و یا یکی از آن‌ها منقضی شده باشد و نمایندگان جدید انتخاب نشده باشند نمایندگان سابق حاضر می‌شوند و مجلسین منعقد می‌گردد. در صورت انحلال یک یا هر دو مجلس تا تشکیل مجلس جدید و انتخاب نایب‌السلطنه امور نیابت سلطنت موقتاً به عهده هیأت مذکور در اصل چهل و یکم خواهد بود. پادشاه می‌تواند در موقع مسافرت و در غیاب خود شورایی برای اداره امور سلطنت انتخاب و یا نایب‌السلطنه تعیین کند که با مشاوره شورای مزبور امور سلطنت را موقتاً برای مدت مسافرت و در غیاب پادشاه انجام دهد (دادفر ۱۳۶۴: ۲۲۳-۲۲۴؛ فرهنگ قهرمانی ۱۳۵۶: ۱۰۰-۱۰۴).

به این ترتیب، لایحه پیشنهادی به مجلس مؤسسان پیرامون تعیین نایب‌السلطنه برای شاه در روز هجدهم شهریور ۱۳۴۶ و با رأی تمام اعضای مجلس مؤسسان (۲۶۹ نفر) تصویب و تأیید شد (الموتی ۱۳۶۸ ج ۱۵: ۱۳۴).

به دنبال تصویب نایب‌السلطنگی فرح پهلوی در شهریور ۱۳۴۶، تصمیم گرفته شد مراسم تاج‌گذاری در ۴ آبان ماه همان سال که مصادف با روز تولد پهلوی دوم بود، برگزار گردد. ضرورت برگزاری این جشن برای شاه به چند جهت بود: ۱- شاه چند بار در معرض ترور قرار گرفته بود و می‌ترسید که با ترور و مرگش حکومت از دست خاندان پهلوی بیرون رود و لذا باید فرح پهلوی را نایب‌السلطنه می‌کرد تا ولعهد به سن قانونی برسد و برای این کار لازم بود که مراسمی برگزار شود و در حاشیه آن فرح نایب‌السلطنه شود. ۲- خود شاه روی کار آمده بود اما به تخت ننشسته بود و تاج به سر نهاده بود و لذا می‌خواست همانند پادشاهان کشورهای اروپایی مانند انگلستان و هلند تاج بر سر نهد و جشن تاج‌گذاری بگیرد. ۳- برگزاری این جشن به مشروعیت‌سازی شاه در سلطنتش کمک می‌کرد. رابطه این جشن و سلطنت شاه دوطرفه بود. از یک طرف، باستان‌گرایی و مشروعیت‌سازی به شاه کمک می‌کرد در ادامه سلطنتش و از طرف دیگر شاه با برگزاری این جشن به تقویت باستان‌گرایی که از پایه‌های مشروعیت‌سازی برای حکومتش بود کمک می‌کرد. شاه برای برگزاری این جشن عجله داشت. در ابتدا قرار بود تا این جشن با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله با هم برگزار شود و حتی خبرگزاری یونایتد پرس هم در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۴۰ این خبر را اعلام کرد و شاه هم در یک اعلامیه رسمی به سران کشورها این را اعلام کرد و روزنامه‌های آن دوره مانند *اطلاعات* و *مرد امروز* آن را اعلام کردند (روزنامه *مرد مبارز* ۱۳۴۳/۱/۲۹؛ روزنامه *اطلاعات* ۲).

روزنامه اطلاعات تاریخ جشن را ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۲ اعلام کرد. روزنامه اراده آذربایجان خبر از نمایشگاهی از اقدامات پهلوی اول و دوم در هتل هیلتون داد (۱۳۴۳/۷/۲۵: ۴) تا به مشروعیت و مقبولیت‌سازی این جشن کمک کند.

تاریخ جشن به علت مشکلات مالی و ساختاری برگزاری این جشن به عقب افتاد. خبرگزاری پارس در بولتن محرمانه خود خبر از تعویق جشن و تاریخ جدید آن می‌دهد:

امروز [۱۳۴۳/۰۱/۲۵] رسماً اعلام شده که شاهنشاه ایران که از سال ۱۹۴۱ [۱۳۲۰] به سلطنت رسیده‌اند. در ۲۶ اکتبر سال آینده [۱۳۴۴/۰۴/۰۸] در چهل و پنجمین سال تولد خود تاج‌گذاری خواهند کرد. مراسم تاج‌گذاری هم‌زمان با جشن‌های ملی دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران خواهد بود (بولتن خبرگزاری پارس محرمانه ۱۳۴۳/۱/۲۶: ۸).

در این دوره نیز امکان برگزاری این مراسم فراهم نشد. به تدریج این فکر به ذهن شاه خطور کرد که مراسم تاج‌گذاری و مراسم جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را به‌طور توأمان برگزار کند و بدین ترتیب مراسم جشن تاج‌گذاری را تا اوایل دهه ۱۳۵۰ به تعویق اندازد؛ اما در نهایت، تصمیم بر این قرار گرفت که این دو مراسم را جدای از هم و در دو زمان مختلف انجام دهند (سالنامه دنیا ۱۳۴۷: ۳-۴). روزنامه‌ها دائماً اخبار جشن را پوشش می‌دادند و خبر از کارهای جدیدی می‌دادند که در قالب برگزاری این جشن‌ها قرار است انجام گیرد: «قرار است سال آینده [۱۳۴۴] تاج‌گذاری شاهنشاه در مراسم برگزاری جشن دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی انجام شود. به همین مناسبت، آرم جدیدی که مزین به عکس شاهنشاه و کورش کبیر است تهیه گردیده» (سپید و سیاه ۱۳۴۳/۲/۲۴: ۳). دولت حتی در سال ۱۳۴۶ نیز برای برپایی این جشن‌ها مشکل مالی داشت و شاه دوباره به فکر افتاد تا این جشن را هم‌زمان با جشن ۲۵۰۰ ساله برگزار نماید (آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران سند شماره ۲-۳۲۲۷ ۲۷۷۴۵ ب)؛ اما سرانجام به فکر جدا کردن این دو جشن گرفت. هزینه جشن تاج‌گذاری به مبلغ پانزده میلیون تومان از محل هزینه‌های جشن ۲۵۰۰ ساله پرداخت شد (آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران سند شماره ۲-۳۲۲۷ ۲۷۷۴۵ ب).

مراسم تاج‌گذاری محمدرضا شاه

در تاریخ ایران مشروعیت فرمانروا صرفاً ناشی از نمایندگی از سوی مردم و خدا نیست، بلکه از رابطه بین فرمانروا و سنت فرمانروایی ایران در تاریخ سرچشمه گرفته است (استوار ۱۳۹۱: ۷۴).

چنانکه در مراسم تاج‌گذاری پهلوی اول در چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵، شاه با نمادها و نشان‌هایی از پادشاهان پیش از اسلام (هخامنشی و ساسانی)، تاج و عصای شاهی و شمشیرهای دوره شاه عباس و شاه اسماعیل ظاهر شد (استوار ۱۳۹۱: ۱۲۹). در این مراسم محمدعلی فروغی، طی نطقی رضاشاه را احیاگر پادشاهی باستانی کوروش و داریوش و مردی در ردیف مردان تاریخی همچون اردشیر بابکان، خسرو پرویز، شاه اسماعیل صفوی، شاه‌عباس بزرگ و نادرشاه توصیف کرد و با بهره‌گیری از نمادهای ایران باستان و قهرمانان تاریخی آن، رضاشاه را پادشاهی پاک‌زاد، ایرانی‌نژاد و غمخوار ملت خواند (استوار ۱۳۹۱: ۱۲۴)؛ بنابراین رضاشاه به منظور مشروعیت بخشی به سلطنت، خود را به پادشاهان قدرتمند ایرانی مرتبط ساخت.

همین رویه در زمان پهلوی دوم نیز رخ داد. او نیز در راستای پیوند خویش با پادشاهان باستانی و به‌خصوص کوروش هخامنشی جشن‌هایی چون جشن تاج‌گذاری را برگزار نمود؛ چراکه یکی از جلوه‌های نمادهای ایران باستان آیین تاج‌گذاری محسوب می‌شد. مراسم تاج‌گذاری یادگار عصرهای گذشته پادشاهان ایران بود که در آن طبقات مختلف مردم با لباس‌های رسمی از زن و مرد، رجال سالخورده قدیمی تا سرکردگان ایلات و عشایر، اصناف و مقام‌داران قدیم و جدید، به‌منظور شرکت در این مراسم در کاخ گلستان حضور یافتند (یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۲ ج ۲۹: ۷۱).

پهلوی دوم در جشن تاج‌گذاری خود که در ۴ آبان سال ۱۳۴۶ در کاخ گلستان برگزار نمود، همانند پدر از نمادهای باستانی و غیراسلامی استفاده کرد. وی با این کار به دنبال مشروعیتی نمادین بود تا عظمت و اقتدار خود را به عظمت شاهان باستان متصل سازد؛ بنابراین این مراسم نمادین از جمله اقداماتی بود که می‌بایست عظمت پادشاهی کوروش را نزد ایرانیان تداعی کند (استوار ۱۳۹۱: ۱۵۴)؛ اما این مراسم همواره مورد انتقاد و اعتراض جریان‌های مخالف نظام پادشاهی به‌خصوص نیروهای مذهبی قرار داشت که علاوه بر دلایل دیگر، آن را در تقابل با سنت‌های اسلامی می‌دیدند. این مراسم به قدری برای شاه مهم بود که در تاریخ ۲ آبان ۱۳۴۶ و دو روز قبل از برگزاری مراسم، همه مراسم را در تالار موزه کاخ گلستان با تشریفات تمام تمرین کردند (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۶: ۱ و ۱۷). در برپایی این مراسم علاوه بر سایر هزینه‌ها تالارهای کاخ گلستان نیز تعمیر شد.

واکنش‌ها نسبت به مراسم تاج‌گذاری

برگزاری مراسم تاج‌گذاری همواره با مخالفت نیروهای مخالف نظام شاهنشاهی مواجه بود. این

مخالفت‌ها از تصمیم به انجام اقدامات قهرآمیز تا انتشار بیانیه و ایراد سخنرانی‌های اعتراضی علیه جشن‌ها را در برمی‌گرفت که این انتقادات به مطبوعات خارجی نیز راه یافت. از جمله نشریه‌های ملیت، سون حوادث و اکشام چاپ ترکیه مطالب انتقادآمیزی به‌خصوص در مورد هزینه‌های جشن تاج‌گذاری چاپ کردند (جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۵: ۴۱۲-۴۱۷).

مینو صمیمی که هنگام تاج‌گذاری شاه و فرح در سوئیس به‌سر می‌برد در این زمینه می‌نویسد: موقعی که قصد عزیمت از سوئیس داشتم، روزنامه‌های آن کشور پر بود از گزارش‌های انتقادآمیز در مورد جریان تاج‌گذاری شاه... در زمانی که تبلیغات گوناگون پیرامون واقعه تاج‌گذاری شاه از همه سو جریان داشت، بسیاری منابع مطلع در سوئیس به وجود فقر گسترده در ایران اشاره می‌کردند و به‌خصوص فیلم‌هایی از تلویزیون سوئیس پخش می‌شد که وضع اسفناک زندگی هم‌وطنانم را به معرض تماشا می‌گذاشت (صمیمی ۱۳۹۱: ۴۵-۴۶).

در داخل کشور نیز جبهه آزادی‌بخش ملی وابسته به نهضت آزادی که بعداً تعدادی از اعضای آن سازمان مجاهدین خلق را تشکیل دادند در مخالفت با جشن‌های تاج‌گذاری به اقدامات خرابکارانه‌ای دست زدند. عزت شاهی از اعضای این گروه در خاطرات خود نقل می‌کند:

پس از پراکندگی مؤتلفه، افرادی مثل من که جوان، پر انرژی و با روحیه‌ای پرخاشگر بودند همچنان به دنبال کارهای پرشور و حرارت افتادند و وارد مبارزات مسلحانه شدند و به زندگی مخفی روی آوردند. پس‌از آنکه آقای خمینی به ترکیه و بعد به نجف تبعید شدند، ما اعلامیه‌ها، نوارها، جزوات و رساله حضرت امام را تهیه و تکثیر و در میان مردم توزیع می‌کردیم. ما حدود ده نفر بودیم و به نام‌های مختلف روحانیون مترقی، دانشجویان مسلمان جبهه آزادی‌بخش ملی ایران، مسلمانان آگاه و ... فعالیت می‌کردیم و اعلامیه‌ها و اطلاعیه می‌دادیم. اعلامیه‌ها بیشتر جنبه نظامی داشت و بدین‌وسیله مردم را دعوت به کارهای انقلابی و مسلحانه می‌کردیم. ما با این کار می‌خواستیم وانمود کنیم که گروه‌های بسیاری هستند که علیه حکومت فعالیت می‌کنند و به عبارتی بیشتر جنبه‌های روانی کار را مدنظر داشتیم... گروه ما در عین حال که اسم خاصی نداشت، ولی به نام جبهه آزادی‌بخش ملی ایران بیانیه می‌داد و در سال‌های ۴۷-۴۸ تعداد اعضای آن به سی نفر می‌رسید. این تعداد از طبقات و قشرهای

مختلفی تشکیل می‌شد: دبیرستانی، دانشگاهی و شاگرد بازاری. ما تا حدودی تحت تأثیر انقلاب الجزایر بودیم. در هنگام جشن تاج‌گذاری بیشتر خیابان‌های اصلی و چهارراه‌ها را آذین‌بندی کرده طاق نصرت زده بودند. ما سه تا از این طاق نصرت‌ها را آتش زدیم. برای این منظور تعدادی کوکتل مولوتف به صورت نیمه اتوماتیک (نیمه خودکار) درست کردیم. در محکومیت جشن تاج‌گذاری هم اعلامیه‌ای تهیه، تنظیم و در میان مردم توزیع کردیم. در همین اعلامیه از مردم خواستیم که اسلحه تهیه کنند و در مبارزات مسلحانه شرکت جویند (خاطرات عزت شاهی بی‌تا: ۴۱-۴۴).

تا سال‌های پایانی عمر نظام، انتقادات نسبت به جشن تاج‌گذاری ادامه داشت که از بازخورد منفی آن نزد نیروهای مخالف نظام شاهنشاهی حکایت داشت. برای نمونه، در نمایشگاهی که در فروردین سال ۱۳۵۷ در دانشگاه ایالتی اکلاهما واقع در استیل‌واتر برپا شده بود و غرفه‌ای به نام «غرفه ایران» نیز دایر بود؛ مأموران ساواک گزارش دادند:

در این غرفه عکس‌هایی از معدومین ضد امنیتی، زدوخورد منحرفین ایرانی با پلیس در جریان تشریف‌فرمایی اخیر شاهنشاه آریامهر به امریکا، تعدادی از صنایع دستی ایران و اسلایدهایی از جنوب شهر تهران، وضع کشاورزی در ایران، اعدام چند نفر از محکومین ضدامنیتی، مراسم تاج‌گذاری شاهنشاه آریامهر همراه با تفسیرهای نادرستی در مورد آن‌ها که به صورت نوار تهیه شده بود، نمایش داده شد. تعدادی از جزوات و نشریات مضره نیز به فروش می‌رسید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۷۸: ۱۷).

اما مخالفت نیروهای مذهبی با برگزاری جشن‌های تاج‌گذاری چگونه بود؟ آن‌ها بنا به کدام دلایل با برگزاری جشن‌های تاج‌گذاری مخالفت کردند؟

دلایل مخالفت نیروهای مذهبی با مراسم تاج‌گذاری

نیروهای مذهبی مبارز نیز از جمله مخالفان برگزاری جشن تاج‌گذاری بودند که نوع مخالفت آن‌ها با برپایی جشن‌های تاج‌گذاری به تقابل آن با سنت‌های اسلامی برمی‌گردد. در واقع آن‌ها علاوه بر اینکه به مخارج این جشن انتقاد داشتند، آن را در تقابل با سنت‌های اسلامی تفسیر می‌کردند چنانکه نظام شاهنشاهی را نظامی غیراسلامی می‌دانستند. در هر صورت، دلایل مخالفت نیروهای مذهبی با جشن‌های تاج‌گذاری را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

الف) تقابل جشن تاج‌گذاری با اسلام

یکی از مجموعه دلایل مخالفت روحانیان با جشن تاج‌گذاری این بود که آن را برخلاف اسلام و دیانت می‌دانستند. چنانکه در اعلامیه‌ای که جامعه روحانیت به همین مناسبت منتشر کرد، آمده است: «چنین جشنی قطعاً مورد استقبال علاقه‌مندان به دیانت و روحانیت نیست و مطمئناً میمنت و مبارکی در آن وجود ندارد». همچنین با اشاره به مبارزه منفی روحانیان در مهاجرت از موطن خود به شهرها و دهات دیگر برای عدم شرکت در این مراسم، با استفاده از نمادهای اسلامی، برگزاری این جشن را در تقابل با اسلام قرار داده و آمده است: ... مطمئناً هیچ روحانی شریف و مسلمانی حاضر نخواهد شد که با شرکت در این صحنه‌ها روح پیغمبر^(ص) و امام زمان^(عج) و شهدای راه اسلام را بیازارد (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۹۳ ج ۴: ۱۵۰-۱۵۴).

یکی از مطالبی که به مناسبت جشن تاج‌گذاری گفته می‌شد، تقارن روز چهارم آبان ۱۳۴۶ (روز جشن تاج‌گذاری) با بیست و یکم ماه رجب بود که بنا به گفته برخی روحانیان روز جلوس یزید بر تخت خلافت محسوب می‌شد. همین موضوع بهانه خوبی برای حمله به شخص شاه و مقایسه سلطنت پهلوی با خلافت اموی تلقی شد و برخی روحانیان برای حمله مستقیم به شاه از آن استفاده کردند. سید محمدرضا سعیدی ضمن یکی از صحبت‌های خود به مقایسه خاندان پهلوی با بنی‌امیه پرداخت و در سخنرانی خود در تاریخ ۱۳۴۶/۸/۴ در مسجد غیائی گفت:

آقایان می‌دانید امروز که چهارم آبان است مصادف با چه روزی می‌باشد؟ اگر نمی‌دانید بدانید امروز با روز تاج‌گذاری یزید مصادف شده است. در آن روز به امر معاویه مردم را مجبور می‌کردند با یزید بیعت نمایند و هر کس قبول نمی‌کرد او را اعدام می‌کردند (یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۷۶ ج ۱: ۱۴۵ و ۱۴۷).

در خاتمه اعلامیه جامعه روحانیت به‌عنوان «عزایی به نام جشن» نیز با استفاده از نمادهای اسلامی - شیعی به تشبیه تاج‌گذاری پهلوی دوم با یزید بن معاویه پرداخته و آمده است:

بنا به نوشته تقویم منجم شهر آق‌ای حاج اسماعیل مصباح در همین سال، روز چهارم آبان، روز «جلوس یزید بن معاویه» است. همان یزیدی که جشن تاج‌گذاری خود را موقعی برگزار کرد که سرهای شهدای کربلا در مجلس او حضور داشتند و خاندان پیغمبر^(ص) در اسارت او بودند و اکنون فرزندان پیغمبر در زندان‌های ایران به سر می‌برند (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۹۳ ج ۴: ۱۵۰-۱۵۴).

بنابراین هرچند شاه تلاش نمود که با برگزاری جشن تاج‌گذاری بین پادشاهی خود و پادشاهان ایران باستان پیوند ایجاد کند و در نتیجه برای حکومت پهلوی مشروعیتی نمادین کسب کند؛ اما نیروهای مذهبی با موضوع تقارن روز تاج‌گذاری شاه با روز خلافت یزید آن را در مقابل اعتقادات شیعی مردم قراردادند و تلاش کردند از مشروعیت نظام سلطنت بکاهند. این موضوع سریع بین مردم منتشر شد و نیروهای مذهبی مخالف نظام به‌عنوان دستاویزی برای حمله به شاه و ایجاد ارتباط و پیوندی بین شاه و یزید و سلسله پهلوی و خاندان بنی‌امیه از آن استفاده می‌کردند (یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۷۸ ج ۱۴: ۱۲۱).

نیروهای مذهبی جشن‌های مرتبط با نظام پادشاهی را در تقابل با جشن‌های مذهبی نیز قرار می‌دادند. چنانکه در یکی از مجالسی که شب عید غدیر در منزل یکی از روحانیان به نام شیخ محمدصادقی تشکیل شد، یکی از وعاظ در منبر ضمن بحث از اعیاد مذهبی، مطالب انتقادآمیزی نسبت به برگزاری جشن‌های تاج‌گذاری ایراد کرد (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۸۶ ج ۵: ۵۴۱)؛ بنابراین به‌طور ضمنی جشن تاج‌گذاری را در تقابل با اعیاد مذهبی قرار داد تا بدین وسیله احساسات مذهبی و شیعی مردم را علیه جشن تاج‌گذاری و شاه برانگیزاند. امام نیز در یکی از اعلامیه‌های خود که در اعتراض و انتقاد به جشن تاج‌گذاری صادر کرد، مصوبات مجلس مؤسسان را برخلاف کلام‌الله مجید عنوان کرد و علما و روحانیان را به خاطر بی‌تفاوتی نسبت به این موضوع مورد سرزنش قرار داد (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۹۳ ج ۴: ۲۵۲-۲۵۳).

باین اوصاف، اگر شاه با به کار بردن نمادهای ایرانی و پیوند با پادشاهان باستانی در صدد مشروعیت‌بخشی و استحکام نظام پادشاهی بود، نیروهای مذهبی با استفاده از نمادهای اسلامی - شیعی تلاش کردند که از مشروعیت نظام کاسته و آن را در تقابل با احساسات و اعتقادات مذهبی مردم قرار دهند.

ب) نایب‌السلطنگی فرح پهلوی

مخالفت نیروهای مذهبی به‌عنوان یکی از جریان‌های مخالف نظام پادشاهی با برگزاری مراسم تاج‌گذاری دلایل دیگری نیز داشت؛ آن‌طور که از منابع برمی‌آید یکی از این دلایل، طرح نایب‌السلطنگی فرح پهلوی بود زیرا آن را از نظر اسلام کاملاً مردود می‌دانستند (یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۹ ج ۲۷: ۲۲۹) که این مسئله نیز از مبانی اعتقادی و اندیشه آن‌ها ناشی می‌شود. در همین رابطه آمده است که در یکی از جلساتی که در منزل شیخ غلامحسین جعفری

تشکیل شد، شخص مزبور ضمن انتقاد به هزینه‌های این مراسم در مورد تاج‌گذاری فرح پهلوی گفت: «شنیدم تاجی برای فرح از جواهرات درست کرده‌اند و دیگر ما فرح نخواهیم گفت می‌گوییم (ماده شاه)» (یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۸ ج ۴۱: ۲۲۷).

همچنین در اعلامیه‌ای که از سوی دانشجویان کرمانی مقیم مرکز که از پیروان امام خمینی بودند،^۱ منتشر شد، ضمن انتقاد به نمایندگان مجلس مؤسسان و مخالفت با نایب‌السلطنه شدن فرح پهلوی آمده است: «این‌ها [نمایندگان] می‌خواهند به مجلس بروند مجلس مؤسسان تشکیل بدهند و قانون اساسی را به خاطر خوش‌رقصی‌های فرح خانم عوض نمایند» (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت اسناد ساواک ۱۳۹۳ ج ۴: ۲۵۵-۲۵۶).

ج) هزینه‌ها و مخارج جشن

شاید یکی از مهم‌ترین علل مخالفت نیروهای مذهبی با برپایی جشن تاج‌گذاری هزینه‌های برپایی آن بود که در محافل مذهبی روی این مسئله تأکید بسیاری می‌شد که چرا «ملتی که این همه گرسنه دارد باید این قدر خرج تاج‌گذاری بشود» (یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۸ ج ۴۱: ۲۲۳).

احتمالاً به دلیل هزینه‌های برگزاری جشن بود که محمدعلی رجایی که در آن زمان در دبیرستان کمال به معلمی اشتغال داشت، در کلاس‌های درس خود ضمن انتقاد از برگزاری آن، از جشن تاج‌گذاری با نام جشن باج‌گذاری یاد کرد (یاران امام به روایت اسناد ساواک الف ۱۳۷۸ ج ۱۴: ۱۱۹).

فلسفی نیز در یکی از مجالس خود در همین زمینه اظهار داشت: «بزرگ‌ترین گناه همین چراغانی است در مملکتی که نان ندارد بخورد چرا ۸۰۰ میلیون تومان خرج می‌شود» (یاران امام به روایت اسناد ساواک ب ۱۳۷۸ ج ۹: ۳۲۲).

سید محمدرضا سعیدی نیز در یکی از مجالس روضه‌خوانی که در مسجد غیائی تشکیل شد در صحبت‌های خود در اعتراض به جشن‌های تاج‌گذاری و هزینه‌های آن گفت:

آقایان شما می‌دانید که در این مملکت چقدر فقیر و بیچاره زندگی می‌کند و ما از آن‌ها خیر نداریم. آن‌هایی که این همه خرج‌های هنگفت می‌کنند و آن‌هایی که این همه ظلم و ستم روا می‌دارند کاری به این کارها ندارند... (یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۷۶ ج ۱: ۱۵۱).

۱. زیرا در این اعلامیه از امام خمینی با عنوان «رهبر عالی‌قدر» نام برده شده است.

در همین راستا، حسینعلی منتظری، عبدالرحیم ربانی شیرازی و ناصر مکارم شیرازی تصمیم گرفتند آمار مخارج جشن را جمع‌آوری و در میان مردم پخش کنند (جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۵: ۲۶۶ و ۳۱۶)؛ که به دستور ساواک، اعمال و رفتار آن‌ها تحت مراقبت قرار گرفت (جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۵: ۳۶۷).

جامعه روحانیت نیز با انتشار اعلامیه ضمن انتقاد به هزینه‌های برپایی جشن تاج‌گذاری، به تحت فشار قرار دادن مراجع تقلید، علما و ائمه جماعت برای همکاری در این جشن و دستگیری تعدادی از روحانیان و طلاب حوزه علمیه قم اعتراض کردند (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۹۳ ج ۴: ۱۵۰-۱۵۴).

چند سال بعد از برگزاری جشن تاج‌گذاری نیز رادیو بغداد در سال ۱۳۴۹ طی گفتاری تحت عنوان «نهضت روحانیت در ایران» مطالبی در مورد جشن‌های تاج‌گذاری بیان داشت و نسبت به هزینه‌های آن انتقاد نمود (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۸۶ ج ۲۱: ۱۶۷).

اقدامات نیروهای مذهبی علیه جشن تاج‌گذاری

نیروهای مذهبی که برای مخالفت با جشن تاج‌گذاری دلایل مختلفی داشتند و در مخالفت با برگزاری آن به اقدامات گوناگونی دست زدند؛ از تصمیم به مهاجرت اجباری و انجام اقدامات قهرآمیز گرفته تا توزیع و پخش اعلامیه که همه این موارد تحت نظر نیروهای امنیتی قرار داشت که با رصد مخالفان و اقدامات آن‌ها انجام هر گونه اقدام خشونت باری را غیرممکن ساختند.

الف) فعالیت‌های قهرآمیز

نقشه ترور شاه نیز از برنامه‌های نیروهای مذهبی به منظور برهم زدن جشن‌های تاج‌گذاری بود. چنانکه عباس دوزدوزانی به اتهام ترور شاه در جشن تاج‌گذاری بازداشت و چهل روز در زندان قزل‌قلعه زندانی شد (خاطرات احمد احمد ۱۳۸۷: ۲۷۸ پاورقی).

به علت احتمال انجام چنین اقداماتی علیه جشن تاج‌گذاری، پیش از برگزاری آن، برخی از فعالان مذهبی مبارز «به علت مظنونیت و همچنین جلوگیری از هرگونه فعالیت‌های مضره احتمالی» دستگیر و زندانی شدند. شیخ فضل‌الله مهدیزاده، حسین قرائتی و محمد نقدعلی جزو این افراد بودند (جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۵: ۳۹۲). البته پس از پایان جشن‌ها و عدم به دست آمدن شواهد علیه آن‌ها از زندان آزاد شدند (یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۹ ج ۲۷: ۲۵). همچنین عبدالرحیم ربانی شیرازی، اکبر هاشمی رفسنجانی، سید علی غیوری، مهدی

کروبی و فضل‌الله محلاتی به علت مخالفت با جشن‌ها دستگیر و زندانی شدند (جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۵: ۳۹۲؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۰ ج ۲۱: ۳۳۴). در جریان جشن تاج‌گذاری چون عبدالرحیم ربانی شیرازی اهتمام بیشتری نسبت به انتشار اعلامیه امام خمینی به خرج داده بود و احتمال انجام اقدامات دیگری در مخالفت با جشن‌ها از جانب وی می‌رفت، ساواک قم طی نامه‌ای به اداره کل سوم ساواک با برشمردن اقدامات وی پیشنهاد انتقال وی از قم به تهران را مطرح نمود:

... با توجه به ... دخالت وی [ربانی شیرازی] در تهیه اعلامیه‌های خمینی به عرض می‌رساند که اقامت او و عده دیگری که اسامی آنان متعاقباً اعلام خواهد شد در قم قبل از فرارسیدن جشن‌های تاج‌گذاری مصلحت نمی‌باشد مقرر فرمایید در صورت تصویب و اجازه، نامبرده را دستگیر و از محل مسکونی وی بازرسی و به اتهام دخالت در امور تهیه اعلامیه خمینی به مرکز اعزام و به طریقی که مقتضی می‌دانند تا بعد از جشن‌های تاج‌گذاری در تهران باشد (یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۷۹ ج ۱۶: ۱۱۳).

در اسناد همچنین از سید محمود دعایی، مرتضی فهیم کرمانی و عبدالرحیم ربانی شیرازی به عنوان سه تن از طلاب حوزه علمیه قم که در رأس انجام اقداماتی علیه سیاست کشور قبل از برگزاری جشن‌های تاج‌گذاری هستند نام برده شده است که «به تشکیل مجالس مخفی و اشاعه اعلامیه‌های گوناگون و انجام شعارهای ضد ملی پرداخته و اقدامات مرموزانه دیگری انجام می‌دهند». در همین راستا، ساواک قم از مدیریت کل اداره سوم تقاضای مراقبت از اعمال و رفتار آن‌ها را نموده است (جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۵: ۳۱۵).

ب) انتشار و توزیع اعلامیه

در روزهایی که حکومت با وسایل گوناگون برای جشن تاج‌گذاری تبلیغ می‌کرد نیروهای مذهبی تلاش می‌کردند با انتشار اعلامیه‌های گوناگون مردم را از ماهیت این جشن‌ها آگاه سازند. البته این اعلامیه‌ها به‌طور مخفی تهیه و توزیع می‌شد و با عناوین مختلف و امضاهایی همانند «جامعه روحانیت مبارز»، «مردم کرمان» «دانشجویان کرمانی مقیم مرکز» و... منتشر می‌شدند.

پس از برپایی جشن تاج‌گذاری به تاریخ ۱۳۴۶/۹/۱۲ اعلامیه‌ای از «طرف مردم کرمان» منتشر شد که در آن نسبت به دستگیری‌های انجام شده پیش از برگزاری جشن‌ها اعتراض کردند. در این اعلامیه آمده است: «... آیا بیدادگری نیست که دولت برای میمنت جشن‌های

تاج‌گذاری افراد بدسرشت از جمله آدم‌کش‌ها، جنایتکاران، دزدها و غیره را آزاد می‌کند تا باز به جان مردم بیفتند اما به‌جای آنان افرادی بی‌گناه و ستم‌دیده را زندانی می‌نماید...» (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۹۳ ج ۴: ۳۱۲-۳۱۴).

مهم‌ترین اعلامیه‌ای که به همین مناسبت چاپ و توزیع گردید، اعلامیه روحانیان حوزه علمیه قم تحت عنوان «عزایی به نام جشن» بود که در آن ضمن اشاره به تحت فشار قرار دادن علما و روحانیون برای شرکت در مراسم تاج‌گذاری آمده بود:

گستاخی را به حدی رسانده‌اند که مراجع تقلید و علمای اعلام و ائمه جماعات و به‌طور کلی قشر مذهبی را که اکثریت نزدیک به تمام ملت را تشکیل می‌دهند، برای همکاری در جشن و سرور واهی خود تحت فشار گذاشته‌اند و بدون اینکه ذره‌ای از آن‌همه جنایات و خیاناتی که در این دو، سه سال اخیر نسبت به دین و دین‌داران کرده‌اند شرمی به خود راه دهند از این طبقه شریف، طلبکارانه مطالبه دارند که همه خلاف‌ها و مظالم آن‌ها را که هنوز هم ادامه دارد، نادیده بگیرند و خود را شریک در شادی و سرور آن‌ها اعلام نمایند... «... مضحک این است که کارگردانان این تراژدی غم‌انگیز اخیراً به مساجد و معابد فشار آورده‌اند که برای آن‌ها چراغانی و سروصدا راه بیندازند و برای ارباب و تهدید یکی از ائمه جماعت شریف تهران حجت‌الاسلام آقای غیوری را دستگیر کرده‌اند و خیال کرده‌اند که روحانیون محترم و واقعی به‌آسانی برخلاف رضای امام زمان (عج) دست‌به‌دست جلادان خواهند داد. بی‌شرمی را به حدی رسانیده‌اند که به حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای میلانی که حاضر نشده‌اند به تقاضای تبریک گفتن جواب مثبت بدهند دستور خروج از ایران را داده‌اند و حتی پاسپورت ایشان را صادر کرده‌اند و به‌طوری که شایع است آیات عظام قم را هم به چنان وضعی تهدید نموده‌اند...هم‌اکنون مسلمانان ایران شاهد مهاجرت بسیاری از روحانیون شهرستان‌ها هستند که محل کار خود را ترک کرده‌اند و به سایر شهرها و دهات پناه برده‌اند.» (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۸۶ ج ۱۱: ۲۳۸-۲۴۱؛ عامری ۱۳۹۵: ۳۸-۳۹).

ج) مبارزه منفی علیه جشن تاج‌گذاری

علاوه بر آنکه برخی نیروهای مذهبی با انتشار اعلامیه و تصمیم به انجام اقدامات قهرآمیز در صدد مخالفت با برگزاری جشن تاج‌گذاری بودند، عده‌ای از آن‌ها نیز به یک مبارزه منفی دست زدند. برای مثال، هنگامی که قرار شد به مناسبت تاج‌گذاری شاه، در مساجد کشور اذان گفته شود (جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۵: ۳۴۳)، نیروهای مذهبی طرفدار امام تصمیم گرفتند در یک اقدام هماهنگ در روز جشن تاج‌گذاری علاوه بر انتشار اعلامیه و ایراد سخنرانی، مساجد را تعطیل کنند. در همین رابطه، شیخ فضل‌الله محلاتی در یکی از جلسات خود اظهار داشت:

تصمیم گرفته‌ایم که از عده‌ای از آقایان امام جماعت مساجد که موافق با ما هستند قول بگیریم که روز تاج‌گذاری اگر دستگاه برای حفظ موقعیت خود خواست که در مساجد اذان بگوید آقایان حاضر نشوند و به هر عنوان شده مخالفت خود را ابراز نمایند و در صورتی که آن‌ها به زور متوسل شدند که باید حتماً اذان بگویند همین قدر برای کافی خواهد بود که عده‌ای از مردم بدانند که مردم حاضر به همکاری با این دستگاه نیستند و اگر کاری انجام می‌شود از روی ترس و تهدید است (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۹۳ ج ۴: ۲۷۶-۲۷۷؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۷۹ ج ۲۷: ۲۳۷-۲۳۸).

ظاهراً این تصمیم توسط سید صادق لویسانی گرفته شد که به وسیله شیخ فضل‌الله محلاتی به اطلاع کلیه امام‌جماعت‌هایی که طرفدار امام خمینی بودند برساند که در روز تاج‌گذاری، مساجد را تعطیل کنند (یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۹۵ ج ۵۹: ۱۵۳؛ سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۹۳ ج ۴: ۲۶۰-۲۶۱). به همین علت، شیخ فضل‌الله محلاتی پس از این اظهار نظر، به منظور جلوگیری از هرگونه پیشامد احتمالی دستگیر و تحویل زندان گردید (جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۵: ۳۴۳).

عده‌ای از روحانیان نیز به خاطر اینکه در این مراسم شرکت نکنند از موطن خود خارج و قصد سفر حج کردند از جمله این افراد می‌توان به سیداحمد سادات خراسانی اشاره کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۰ ج ۸: ۶۶). میلانی و مرعشی نجفی نیز اعلام کردند در مراسم تاج‌گذاری شرکت نمی‌کنند و حتی از ایران خارج خواهند شد (عامری ۱۳۹۵: ۳۹). اما مهم‌ترین و شدیدترین واکنش‌ها نسبت به جشن تاج‌گذاری از جانب امام خمینی صورت گرفت.

مواضع امام خمینی نسبت به جشن تاج‌گذاری

امام که در هنگام برگزاری جشن تاج‌گذاری در نجف به سر می‌بردند و سه سال از دوره تبعید ایشان به عراق سپری شده بود، دو سال بعد از برگزاری جشن تاج‌گذاری، موضع‌گیری تندی علیه آن گرفتند. یکی از علل مخالفت ایشان با جشن تاج‌گذاری، تجملات و هزینه‌های آن بود. چنانکه در سال ۱۳۴۸ طی یک سخنرانی به جشن‌های تاج‌گذاری اشاره و نسبت به هزینه‌های آن انتقاد داشت که نوار این سخنرانی توسط طرفداران ایشان به ایران آورده شد و در اختیار مراجعی چون گلپایگانی و شریعتمداری قرار گرفت (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۸۶ ج ۷: ۲۳۷).

امام حتی سه سال بعد در پیامی به حجاج مکه در اسفند سال ۱۳۴۹ که تحت عنوان «پیام قائد بزرگ اسلام مرجع تقلید مسلمانان حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی به زائران خانه خدا» منتشر شد، به جشن‌های مختلفی که از سوی رژیم برگزار شده بود از جمله جشن تاج‌گذاری که در سال ۱۳۴۶ برگزار شد، اشاره شد (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۲: ۳۲۵؛ سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۸۶ ج ۷: ۲۵۷).

در اسناد ساواک از نامه امام به نخست‌وزیر نیز نام برده شده است که مطابق گزارش ساواک امام در این نامه «نسبت به برگزاری مراسم جشن تاج‌گذاری و همچنین در مورد تبعیدش مطالب حادی را عنوان کرده» است که ساواک نسبت به جلوگیری از چاپ و توزیع نامه دستورات لازم را صادر کرد (جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۵: ۲۴۷).^۱

نامه امام به نخست‌وزیر توسط ربانی شیرازی تکثیر و توزیع شد؛ بنابراین به ساواک قم اعلام می‌شود ضمن مراقبت از وی، منزل وی بازرسی و در صورت مشاهده هر گونه فعالیت مشکوکی

۱. جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۵: ۲۴۷. در صحیفه امام تنها یک نامه سرگشاده از امام خطاب به هویدا و به تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۴۶ ذکر شده که در این تاریخ هنوز جشن تاج‌گذاری برگزار نشده بود؛ در نامه مزبور به «جشن‌های غیر ملی» که از سوی حکومت برگزار می‌شود اشاره شده و آمده است: جشنهای غیر ملی که به نفع شخصی در هر سال چندین مرتبه تشکیل می‌شود و در هر مرتبه مصیبت‌های جانگداز برای اسلام و مسلمین و ملت فقیر پابره‌نه ایران به بار می‌آورد، یکی از آنهاست. با سر نیزه پلیس از مردم بیچاره بی‌پناه، خرج‌های گزاف آنها گرفته می‌شود. در یکی از جشنها که من نمی‌توانم اسم روی آن بگذارم جز هوس و شهوت و بازی با احساسات ملت، گفته می‌شود چهار هزار میلیون ریال خرج شده است که نصف آن از خزانه ملت و نصف دیگر بی‌واسطه از بازار و غیره با زور و ارباب اخاذی شده. خون دل فقرا خرج نامجویی و خودکامگی است و تا این ملت در این حال است و به وظیفه خود و حقوق خود آشنا نشده، هر روز برای شماها عید و شادی و برای ملت، بدبختی و نکبت است (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۲: ۱۲۴)؛ که به نظر می‌رسد این سخنان را به مناسبت جشن ۲۵ سال سلطنت محمدرضا شاه ایراد نمود که جشن مزبور در ۲۴ شهریور ۱۳۴۴ برگزار شده بود.

دستگیر شود؛ ولی با وجود کنترل و مراقبت ساواک، نامه مزبور نه تنها در حوزه علمیه قم توزیع شد (یاران امام به روایت اسناد ساواک ۱۳۷۹ ج ۱۶: ۱۰۵-۱۰۶)؛ بلکه گزارش‌ها از توزیع آن در دانشگاه تهران نیز خبر دادند (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۹۳ ج ۴: ۲۸۴).

علاوه بر آنچه ذکر شد، امام در تاریخ ۱۳۴۶/۱/۲۷ نیز نامه‌ای خطاب به طلاب حوزه علمیه قم، مشهد و تهران ارسال کرد که مضمون آن بیش از هر چیز مربوط به فعالیت‌های رژیم برای تسلط بر حوزه‌های علمیه است که در خلال آن به کنایه و بدون آنکه به طور مستقیم از تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر برخی از اصول قانون اساسی نام ببرد می‌گوید:

نقشه محو و مسخ قانون اساسی است که در آن تضمین اسلام و مذهب و احکام شده است؛ قانونی که در آن تضمین آزادیهای فردی و اجتماعی شده است باید برود و به جای آن سرنیزه، اختناق، حبس بیاید (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۲: ۱۳۰).

در میان بازاریان نیز چنین شایع شده بود که امام نامه‌ای برای شاه نوشته و در آن عنوان کرده «مخارج سنگین جشن‌های تاج‌گذاری و دعوت این همه مهمان به عهده کیست و این هزینه زیاد از کدام محل تأمین خواهد شد» (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۸۶ ج ۷: ۱۵۴). یکی دیگر از شیوه‌های مبارزاتی امام در راستای مخالفت با جشن تاج‌گذاری، این بود که به مردم توصیه می‌کردند که در جشن‌های حکومتی شرکت نکنند از جمله در مورد جشن تاج‌گذاری طی اعلامیه‌ای که در آبادان توزیع شد از مردم و کسبه بازار خواست در جشن تاج‌گذاری شرکت نکنند (عامری ۱۳۹۵: ۳۹).

در هر صورت، اعلامیه امام توسط نیروهای طرفدار ایشان به طور گسترده چاپ و توزیع شد که برخی از توزیع‌کنندگان در دام ساواک گرفتار شدند (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۸۶ ج ۷: ۱۷۷؛ جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۵: ۴۹۷).

به نظر می‌رسد مخالفت امام با جشن‌های تاج‌گذاری مخالفتی بنیادین بود؛ چراکه امام نه تنها در مقام نظر، سلطنت پهلوی دوم را فاقد مشروعیت می‌دانستند، بلکه از دهه ۱۳۴۰ فعالیت‌های عملی خود را برای سرنگونی نظام سلطنت و تشکیل حکومت اسلامی صورت می‌داد. مهم‌ترین علت مخالفت امام با برپایی جشن‌های تاج‌گذاری و یا هر جشنی که نمادی از مراسم و آیین‌های ایران باستان محسوب می‌شد، تعارض این گونه مراسم با اسلام از دیدگاه ایشان بود؛ زیرا نظام پادشاهی با نظام حکومتی مورد نظر امام، یعنی حکومت اسلامی با زعامت فقها تعارض داشت.

امام در اعلامیه خود خطاب به علما و روحانیون در مورد مصوبات مجلس مؤسسان^۱، سکوت آن‌ها را در مورد جشن‌های تاج‌گذاری تقبیح و مورد سرزنش قرار داد و گفت: «مصوبات مجلس مؤسسان برخلاف کلام‌الله مجید است. شما چرا ساکت نشست‌اید من اگر تبعید نبودم علیه این مجلس قیام می‌کردم و وظیفه دینی خود را انجام می‌دادم. خون شما رنگین‌تر از خون شهدای کربلا نمی‌باشد بایستی علیه این اوضاع قیام و اقدام جدی معمول دارید» (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۹۳ ج ۴: ۲۵۲-۲۵۳). همچنین در یکی از موضع‌گیری‌های خود پس از برگزاری جشن‌های تاج‌گذاری طی نامه‌ای به روحانیان مرنده از کسانی که در جشن تاج‌گذاری شرکت کرده بودند با عنوان «بی‌دین» نام برده شده است: «مبادا به این بی‌دین‌ها (منظور کسانی که در جشن تاج‌گذاری شرکت نمودند) نزدیک شوید. مردن از زندگی نمودن بدون ایمان و دین بهتر است» (سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۹۳ ج ۴: ۲۹۱).

البته با تأکید رژیم بر اقدامات غیرشرعی، همانند انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی و حذف شدن شرط سوگند به قرآن، حقوق انتخاباتی زنان، طرح مباحث مربوط به انقلاب سفید، احیای ناسیونالیسم و سنت‌های قبل از اسلام یا اقداماتی همچون جشن تاج‌گذاری که یادگاری از آیین‌ها و سنن ایران باستان بود، مخالفت روحانیون به‌خصوص امام خمینی وارد مرحله جدیدی شد و راه عبور از سلطنت در دهه ۱۳۴۰ فراهم شد. در این میان، امام علاوه بر طرح سرنگونی سلطنت، حکومت اسلامی را به‌عنوان جایگزین نظام سلطنتی مطرح کردند؛ بنابراین روحانیان مبارز و در رأس آن‌ها امام در مقام نظر و عمل سلطنت را فاقد مشروعیت می‌دانستند و در جهت تشکیل حکومت اسلامی اقدام نمودند و با صراحت بیشتری بر این شعار محوری که «شاه باید برود» و «بساط سلطنت باید برچیده شود» تأکید می‌کردند (شجاعی زند ۱۳۸۳: ۱۷۲).

امام که در جریان تاج‌گذاری شاه، مصوبات مجلس مؤسسان را خلاف «کلام‌الله مجید» و نتیجتاً غیرقانونی خواند، در اواخر دهه ۱۳۴۰، قانون اساسی و متمم آن را نیز زیر سؤال برد و مورد تردید قرار داد و کوشید در چهارچوب شرع به نظریه جامع حکومتی دینی دست یابد که به دلیل بنیادهای مستحکم الهی قادر به حل بحران‌های معنوی و سیاسی حاکم بر ایران و جهان باشد (ملایی توانی ۱۳۸۰: ۱۹۸-۱۹۹). چنانکه هنگام اقامت در نوفل‌لوشاتو در یک سخنرانی در ۲۶ آبان ۱۳۵۷، اعلام کرد که سلطنت و رژیم سلطنتی را یک امر باطلی است که باید برچیده شود (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۵: ۳).

۱. منظور امام خمینی همین اصلاح چهار اصل از متمم قانون اساسی بود که به موجب آن چنانچه شاه فوت می‌کرد و ولیعهد به سن قانون نرسیده بود فرح پهلوی نایب‌السلطنه می‌شد.

پیش از آن نیز در اواخر سال ۱۳۴۸ در درس خارج خود در حوزه علمیة نجف به مبحث ولایت رسیدند و طی سیزده جلسه درس، موضوعات مهمی مانند اسلام سیاسی، ضرورت حکومت اسلامی، جامعیت اسلام، ولایت فقهاء، توطئه استعمارگران در جهت طرح نشدن مسائل سیاسی اسلام، عدم مشروعیت نظام شاهنشاهی و... را به بحث گذاشتند (ر.ک: امام خمینی ۱۴۳۴) که نشان از سرسختی ایشان در مبارزه با نظام پادشاهی و ترسیم نظام جایگزین است. در هر صورت در سال ۱۳۴۶، با وجود اقداماتی که در مخالفت با جشن‌های تاج‌گذاری صورت گرفت و انتقادهایی که نسبت به هزینه‌ها و مخارج آن وجود داشت، جشن مزبور در ۴ آبان ۱۳۴۶، روز تولد پهلوی دوم، برگزار و شاه ضمن اینکه تاج شاهی را بر سر گذاشت فرح پهلوی را به‌عنوان نایب‌السلطنه انتخاب کرد که در صورت بروز هرگونه حادثه احتمالی برای شاه، اگر ولیعهد به سن قانونی نرسیده باشد، نظام شاهنشاهی پایدار بماند.

نتیجه‌گیری

پهلوی دوم با برکناری پدرش در شهریور ۱۳۲۰ به علت وضعیت سیاسی اقتصادی کشور و اشغال ایران توسط متفقین، امکان برگزاری جشن تاج‌گذاری را نداشت و از مقبولیت و مشروعیت مکفی برای برگزاری این مراسم نیز برخوردار نبود. لذا بدون تاج‌گذاری بر مسند نشست. وی ۲۶ سال بعد و در راستای تقویت ایده‌های باستان‌گرایانه به فکر برگزاری مراسم تاج‌گذاری افتاد. یکی از علل برگزاری این مراسم طرح نایب‌السلطنگی فرح پهلوی و انجام مراسم آن در مراسم جشن تاج‌گذاری بود. شاه به این علت می‌خواست فرح را نایب‌السلطنه کند که ولیعهد صغر سن داشت و اگر به علتی، شاه کشته می‌شد، مجلس می‌توانست حکومت را به کس دیگری واگذارد. لذا شاه برای باقی‌ماندن حکومت در خاندان پهلوی اول اصولی از قانون اساسی را تغییر داد تا فرح نایب‌السلطنه شود و سپس با برپایی جشن تاج‌گذاری هم به تخت نشستن خود و هم نایب‌السلطنگی فرح را به همه اعلام کرد. این جشن در راستای اندیشه‌های باستان‌گرایانه شاه برگزار شد و از طرف دیگر، این اندیشه‌ها هم به تقویت سلطنت او کمک می‌کرد؛ به عبارت دیگر، اندیشه‌ها باعث ایجاد جشن می‌شد و برگزاری جشن به تقویت این اندیشه‌ها کمک می‌کرد.

اگر شاه با به کار بردن نمادهای ایرانی و پیوند با پادشاهان باستانی در صدد مشروعیت‌بخشی و استحکام نظام پادشاهی بود، نیروهای مذهبی با استفاده از نمادهای اسلامی - شیعی تلاش کردند که از مشروعیت نظام کاسته و آن را در تقابل با احساسات و اعتقادات مذهبی مردم قرار

دهند. نیروهای مذهبی به عللی از قبیل هزینه‌های برگزاری مراسم، نایب‌السلطنگی فرح پهلوی و مباحث این مراسم با اسلام به مخالفت با آن پرداختند. امام به‌عنوان مهم‌ترین شخصیت مخالف نظام پادشاهی نیز در برابر آن موضع گرفت و ضمن ایراد یک سخنرانی از تعارض این جشن‌ها با اسلام سخن گفت و شرکت‌کنندگان در این مراسم را بی‌دین خواند. به نظر می‌رسد دلیل اصلی مخالفت امام با جشن تاج‌گذاری که نمادی از مراسم و آیین‌های ایران باستان به شمار می‌رود از مبانی اندیشه‌ای ایشان در خصوص نوع حکومت سرچشمه می‌گیرد. چراکه در اندیشه ایشان هرگونه حکومت غیردینی فاقد مشروعیت بود و حکومت حق و عدالت، حکومت اسلامی با زعامت فقیه بود.

منابع

- آرشیو موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۲-۳۲۲۷، ۲۷۷۴۵ ب.
- استوار، مجید. (۱۳۹۱) *انقلاب اسلامی نبرد نمادها*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۹) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
- _____ (۱۴۳۴ق) *ولایت فقیه (حکومت اسلامی) (موسوعة الامام الخميني ۲۱)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست‌ونهم.
- *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*. (۱۳۷۸) تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- _____ (۱۳۸۰) تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- بولتن خبرگزاری پارس محرمانه. (۱۳۴۳/۱/۲۶) شماره ۲۲.
- *جشن تاج‌گذاری به روایت اسناد ساواک*. (۱۳۸۵) تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- حدیدی، مختار. (بهار ۱۳۷۷) «اسناد: پهلوی دوم و نمونه اندیشه‌های باستان‌گرایانه» *مجله تاریخ معاصر ایران*، سال ۲، شماره ۵، صص ۱۰۳-۱۸۸.
- *خاطرات احمد احمد*. (۱۳۸۷) به کوشش محسن کاظمی، تهران: سوره مهر.
- *خاطرات عزت شاهی*. (بی‌تا) به کوشش محسن کاظمی، نسخه الکترونیکی، تنظیم کتاب نیوز.
- خوانین‌زاده، حسین. (تابستان ۱۳۸۹) «تاج‌گذاری؛ نماد عظمت و قدرت دیکتاتوری»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۲.
- دادفر، حبیب. (۱۳۶۴) «اصول اصلاحی متمم قانون اساسی»، *مجله حقوقی انتقادی کانون وکلا*، شماره ۱۰۵، صص ۲۲۲-۲۲۵.

- *روزنامه اراده آذربایجان*. (۱۳۴۳/۷/۲۵) شماره ۵۷۶.
- *روزنامه اطلاعات*. (۳ آبان ۱۳۴۶) شماره ۱۲۴۱۹.
- *روزنامه مرد مبارز*. (۱۳۴۳/۱/۲۹) شماره ۸۳۰.
- *سالنامه دنیا*. (۱۳۴۷) سال بیست و چهارم.
- *سپید و سیاه*. (۱۳۴۳/۲/۲۴)، شماره ۳۸.
- *سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک*. (۱۳۸۶) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۹۳) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۷۸) *تکاپوهای دین سیاسی؛ جستارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: باز.
- صمیمی، مینو. (۱۳۹۱) *پشت پرده تخت طاووس*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: انتشارات اطلاعات.
- عامری، صغری (شهلا). (۱۳۹۵) *باستان‌گرایی در دوره پهلوی با تکیه بر جشن‌های ۲۵۰۰ ساله (به روایت اسناد)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فرهنگ قهرمانی، عطاءالله. (۱۳۵۶) *قانون اساسی، اصلاحات و سیر تکامل آن*، تهران: بی‌نا.
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۶۱) *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مروارید، یونس. (۱۳۷۷) *از مشروطه تا جمهوری، نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت*، تهران: اوحدی.
- ملایی توانی، علیرضا. (۱۳۸۰) «فرآیند گرایش به انقلاب در اندیشه سیاسی امام خمینی»، *پژوهشنامه متین*، سال سوم، شماره ۱۳، صص ۱۷۹-۲۱۲.
- الموتی، مصطفی. (۱۳۶۸) *ایران در عصر پهلوی*، لندن: پکا.
- یاران امام به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۶) *شهید آیت‌الله سید محمدرضا سعیدی*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- _____ (۱۳۷۸) *شهید محمدعلی رجائی*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- _____ (۱۳۷۸) *زبان‌گویای اسلام «حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- _____ (۱۳۷۹) *روایت پایداری، شرح مبارزات حضرت آیت‌الله ربانی شیرازی*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- _____ (۱۳۸۰) *شرح مبارزات حضرت آیت‌الله محمد مهدی ربانی املشی*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

_____ (۱۳۸۲) آیت‌الله سید محمود طالقانی، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

_____ (۱۳۸۸) آیت‌الله حاج شیخ غلامحسین جعفری همدانی، تهران: مرکز بررسی اسناد

تاریخی وزارت اطلاعات.

_____ (۱۳۸۹) شهید حجت‌الاسلام فضل‌الله مهدی زاده محلاتی، تهران: مرکز بررسی اسناد

تاریخی وزارت اطلاعات.

_____ (۱۳۹۵) آیت‌الله سید محمدصادق لواسانی، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت

اطلاعات.